پنجشنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۸۷- صفحه ۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

دولت جمهوری اسلامی برای نیم میلیون آواره چه کرده است؟

هرچه بر عمر نکبت بار جنگ غیر عادلانهٔ ایران و عراق افزوده میشود، زحمتکشان ما هیت ارتجاعی آنرا بیشتر درمی یابند و به سیاستهای عوامفریبانه جمهوری اسلامی بیشتر پی میبرند. در رابطه با این جنگ جنایتکارانه هرچقدر از تشدید نابسامانیهای اقتصادی و سیاسی گفته شود و هرچقدر از تشدید ستمی که از رهگذر این جنگ بر زحمتکشان اعمال میشود سخن بمیان آید باز پاسخگوی کینه و خشم زحمتکشان از اینهمه جنایت و فقر و کشتار نیست. سیل عظیم آوارگان جنگ و زندگی تلخ و مصیبت بار اینان روی دربدری و بیماری و گرسنگی، گوشه ای دیگر از جنایات این جنگ و سیاست های ضدخلقی مبلغان آنرا برملا میکند و برطوماریتبلیغاتی سراپا دروغ رژیم جمهوری اسلامی در زمینه کمک های همه جانبه به آوارگان جنگ، مهر باطل میکوبد:

هم اکنون بیش از نیم میلیون آوارهٔ جنگی در منطقه خوزستان و دیگر استانهای ایران در جنگ گرسنگی و بیماری روز افزون گرفتارند.

بیش از نیم میلیون آوارهٔ جنگی در منجلاب فقر و بیخانمانی دست و پا میزنند درحالیکه یکریز سراغ جگرگوشگان و عزیزان خود را از این و آن میگیرند.

بیش از نیم میلیون آوارهٔ جنگی درست در همان لحظاتی که سرمایه داران و چپاولگران و خودفروختگان مناطق جنگی در خانه ای راحت در تهران و یا استانهای دیگر سفرهٔ رنگین می چینند و دربارهٔ میهن پرستی وراجی میکنند- آری- درست در همین لحظات بیش از نیم میلیون آوارهٔ جنگی نه غذای درستی برای خوردن دارند و نه لااقل مناسبی برای پوشیدن و درحالیکه جگرگوشگان و عزیزانشان با پیکرهای تکه تکه شده در گوشه های فراموش شدهٔ جبهه های جنگ افتاده اند و یا بی دست و پا و خونین خود را بایین سو و آنسو میکشند، خود نیز در معرض خطر بمباران ها و گرسنگی و بیماری یا مرگ دست بگریبانند. سیل عظیم آوارگان جنگ بهر سو روان است و شیون کنان مددی طلبد و جز مردمی که با خود داغدیده اند و یا تهیدست، مددکاری نیست. رژیم جمهوری اسلامی با سیاست تشدید اعمال خفقان و سانسور بر همان مطبوعات وابسته و رادیو و تلویزیون قرق شده، وضع تکان دهندهٔ آوارگان را بشدت از مردم پوشیده نگاه میدارد اما واقعیت عریان تر از آنست که بتوان حتی با اعمال شدیدترین اشکال سانسور و خفقان آنرا از چشم مردم پوشیده داشت.

علاوه بر دهها هزار نفر آوارهٔ جنگی که در استانهای ایران پراکنده شده اند کما بیش نیم میلیون آواره به روستاها و شهرهای خوزستان که تا حدی امن تر به نظر میرسند کوچ کرده اند، شادگان، وسپس را مهرمز، مسجدسلیمان، ماهشهر، سربندر، فارمیا، ملاثانی و شوشتر و جاهای دیگر مملو از آوارگان جنگی است. اکنون بیش از دو ماه است که از آغاز کوچ مصیبت بار آوارگان میگذرد و رژیم جمهوری اسلامی تا توانسته برای استتار این فاجعه کوشیده است، اما مگر میشود بیش از نیم میلیون پدر و مادر داغدیده، خواهر و برادر دربدر و داغدار و کودک و نوجوان یتیم و پرجریحه را زیر سرپوش لاف و گزاف جمهوری اسلامی پنهان کرد؟

اکنون دیگر تمام زحمتکشان ایران از واقعیت تلخ زندگی آوارگان باخبرند و با تمام نیرو و علیرغم فقری که دامنگیر آنهاست به کمک این مصیبت زدگان شتافته اند و در حالیکه خانه فقیرانهٔ دهها هزار کارگر و روستائی و پیشه ور پر از مردم آواره ای است که پدر و مادر و برادر و خواهر و فرزند خود را گم کرده اند سرپرست جمعیت هلال احمر تازه از مذاکراتی سخن بمیان میآورد که میان نخست وزیری وزارت کشور و هلال احمر در جریان بوده است که براساس آن هلال احمر مسئولیت یافته است تا آوارگان را اسکان دهد!! و تازه هلال احمر باین فکر افتاده است که برای آوارگان کارت هویت!! چاپ کند.

سرپرست هلال احمر اعلام میدارد:

"هم اکنون ۱۰ اردوگاه در سطح کشور برای اسکان آوارگان موجود است که در حال حاضر از دو اردوگاه بهره برداری میشود" آنهم با تاکید این که یکی از این دو اردوگاه "در حال بهره گیری نامنظم" است. بیش از این هم نمیتوان انتظار داشت. به راستی که چنین قبائی برازندهٔ رژیم جمهوری اسلامی است. وقتی سیاست ضد آوارگان جنگی از همان آغاز با احکام حاکمان شرع! رسما اعلام میشود، وقتی حاکم شرع شیراز اصفهان، اوباشان و بیخبران را برضد آوارگان میشورانند، وختی آب را بروی آنها می بندند و برقرا از اطراقگاههای آوارگان قطع میکنند و بی شرمانه آوارگان متحصن و معترض را در شاهچراغ شیراز زیر ضربه های چوب و چماق میگیرند و محل تحصن را با آب می بندند، دیگر پیداست که داستان اسکان آوارگان بعنوان یک "مسئولیت" تنها برای عقب نماندن از قافله است و گرنه چطور میتوان پس از دو ماه و اندی که از آغاز کوچ آوارگان میگذرد و درحالیکه بیش از نیم میلیون زحمتکش اینجا و آنجا در بدرند، تازه بخود آمد و در بوق و کرنا دمید که "آوارگان را اسکان خواهیم داد"!! آنهمه امکانات پولی و غذائی و داروئی که مردم زحمتکش سراسر ایران در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته اند چرا تاکنون در جهت بهبود وضع آوارگان به کار گرفته نشده است؟! تنها پولی که بحساب هلال احمر ریخته شده است بگفته خودشان به دو میلیارد ریال رسیده است. حسابهای ریز و درشت دیگر همچنان باز است و با اینهمه، آوارگان با گرسنگی و بیماری روز میگذرانند. دهها هزار آوارهٔ خرمشهری و آبادانی در مدرسه ها و میدانها، در مسجدها و بازارها و در خانه های شوشتر پناه جسته اند، تنها در باغ عقیلی شوشتر هفت تا ده هزار آواره بسر میبرند. در این شهر بهای گوشت و سیب زمینی به دو برابر افزایش یافته است. جمعیت شهر به شش الی هفت برابر رسیده است، درحالیکه در شوشتر حتی یک بیمارستان که اطاقی برای عمل داشته باشد وجود ندارد. سه داروخانه حقیر شوشتر از صبح تا شام غرق در ازدحام بیماران است، داروئیست و داروخانه ها ناچار به تهیه داروهای دستی اقدام کرده اند. اسهال اسهال خونی و شبه وبا در میان کودکان بیداد میکند. آوارگان که تمام هستی فقیرانه خود را جا گذاشته و کوچ کرده اند پولی برای خرید ندارند. این اواخر قرار شد کمیته امام به هر آواره بیست و پنج تومان بپردازد که بعد از چند روز استان خاتمه یافت و کار بپرداخت چند تومان و گاه حتی یک تومان کشید و بعد تنها به مهر کردن نسخه ها اکتفا شد تا بیماران داروی رایگان دریافت دارند.

درشادگان و ماهشهر وضع از اینهم اندوهبارتر است. جنگزدگان در کنار مساجد، در گلوی کوچه ها و در میان میدانها اطراق کرده اند. شهر آنچنان از آوارگان انباشته است که شانه رهگذران به هم میساید. حدود سیزده هزار آواره ناچار به چند کیلومتری آن رانده شده اند و در کمپ ب سربند رزندگی میکنند. غذای این آوارگان مدتی است که تنها یک تکه نان و چند خرما ست. ماهشهری ها جمعیت شهر را تا شصت هزار نفر شمار میکنند. شهر دو بیمارستان دارد که به زخمی های جبهه اختصاص یافته است که دور هر کدام هزاران بیمار پیر و جوان و نوسال شب و روز در هم میلولند و مینالند.

شادگان که جمعیت آن هفت هزار نفر بوده است اکنون با دویست و پنجاه

بقیه در صفحه ۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۵۹
سال دوم- شماره ۸۷- صفحه ۸

دولت جمهوری اسلامی برای نیم میلیون...

بقیه از صفحه ۷

هزار آواره جنگی شلوغ ترین اطراقگاه آوارگان است. آوارگان از آبادان آنچه را که در آن ظرفها و لباسهای خود را نیز میشویند. آنها از مشتی چوب و چند تکه پارچه سرپناه ساخته اند. آرد کمیاب است، آوارگان حتی نمیتوانند با نان خالی خود را سیر کنند. غذای این زحمتکشان در بدر یک تکه نان و یک مشت سبزی آلوده است. مگس از سروری شهر بالا میرود و سهال بسیاری از بیماران را بمرگ تهدید میکند.

خانه های خالی زحمتکش را مهر مز مملو از آوارگان است. این شهرکه جمعیتی معادل پانزده هزار نفر داشته است اکنون بیش از صد و پنجاه هزار پناهنده را در آغوش گرفته است. بیشتر آوارگان بدون هیچ سرپناهی در هر گوشه و کنار بساط فقیرانه خود را پهن کرده اند. از مهر مز اطلاعی بیمارستان ندارد درستها در مانگاه آن، دو پزشک کار می کنند. بیماری التور (شبه وبا) که در آبان ماه دیده شده بسرعت شیوع می یابد. یکی از مدرسه های شهر را به بیمارستان تبدیل کرده اند که دویست و پنجاه بیمار هم اکنون در آن بستری هستند. اسهال و استفراغ خونی کودکان را از پای درآورده است. سبزی های آلوده که تنها غذای موجود آواره ها است منبع آلودگی است که اگر خوردن آن ممنوع شود معلوم نیست آوارگان چه باید بخورند.

این واقعیت های تکان دهنده که مهر سکوت جمهوری اسلامی پای آن خورده است، نشان میدهد که ضد خلق بیش از هر زمان دیگر از بیان واقعیت واهمه دارد بطوری که نه تنها در برابر آن به توطئه سکوت متوسل میشود بلکه با جعل واقعیات و دروغپردازی های حیرت آور میکوشد خود را همچنان ناجی ستمدیدگان معرفی کند. وزیر بهداری در مصاحبه با خبرگزاری پارس میگوید:

"از نظر دارویی به هیچوجه کمبودی نداریم" و روزنامه جمهوری اسلامی مدام از کمیته های کمک رسانی و امداد برای آوارگان دم میزند، چنانکه گوئی آوارگان "شربت شهادت" ننوشیده، از مزایای بهشتی برخوردار شده اند. اما دیگر حنای تبلیغات شوونیستی رژیم جمهوری اسلامی برای زحمتکشان رنگی ندارد. دیگر نمیتوان شربت شهادت را بر احتی آغاز جنگ به زحمتکشان نوشاند و مشتی خرافه را جاشنی آن کرد. این جنگ که از همان آغاز زندگی زحمتکشان را در جهت خدمت به امپریالیسم زیر ضربه های مرگبار گرفته است، ضد خلقی تر از آنست که بتوان آن را با رنگ و لعاب "ضد امپریالیستی" آراست، هرچند مشاطه گران این عجوزه خونخوار، کهنه کاران "توده ای" و تازه کاران! "کمیته مرکزی" باشند. بگذار رژیم جمهوری اسلامی و مشاطه گرانش در جهت پوشیده نگاهداشتن واقعیت ها از مردم، فریبکارانه بکوشند و بلها نه چشم بر این حقیقت روشن فروبندند که علیرغم خوابی که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از رهگذر جنگ برای تحکیم هرچه بیشتر موقعیت خود دیده بودند، زحمتکشان از رهگذر این جنگ ارتجاعی بیش از پیش با ماهیت رژیم جمهوری اسلامی پی میبرند تو هم تودها نسبت به حاکمیت بیش از هر زمان زدوده میشود.

هم میهنان زحمتکش و رفقای هوادار!

با تمام توان خود و با تمام امکانات خود، مستقلا به یاری آوارگان بشتابیم؛ آوارگان را با روحیه ای انقلابی بپذیریم، یار و پرستار آوارگان باشیم، بسوی آوارگان برویم و از سرا سر میهن با اطراقگاههای آوارگان، با جریان پایان ناپذیر کمکهای مالی و غذائی و دارویی، پل هائی از همدردی و عشق به خلق بنا کنیم.